

رسالة محمد

" کلیه ی حقوق اعم از تکثیر، چاپ، نسخه برداری، اقتباس و...

این پایان نامه، متعلق به دانشگاه بیرجند است و هرگونه سوء

استفاده از آن پیگرد قانونی دارد. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع

است."



دانشگاه بیرجند

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

تبیین تحول هویت جنسیتی – اجتماعی شخصیت های زن در

داستان های سیمین دانشور (پیش و پس از انقلاب)

استاد راهنما:

دکتر زینب نوروزی

استاد مشاور:

ویدا نوشین فر

نگارنده:

فائزه مرادپور نوده پشنگی

زمستان ۱۳۹۱

تقدیم:

به پدرم که روشنی روزهایم وام گرفته از وجود اوست؛

به مادرم به پاس همه‌ی شادی‌هایی که در زندگی به من داده است و صبرش که تلاش

برای رسیدن را به من آموخت.

چکیده

آثار سیمین دانشور با درون مایه‌های متفاوت اما در عین حال شبیه به هم، عرصه‌ی طرح مسائلی درباره‌ی زنان است که پیش از آن، در ادبیات داستانی ایران چندان سابقه نداشته است. این داستان‌ها هر چند از قصه‌های متفاوت برآمده‌اند اما گواه نگاهی یکسان از سوی نویسنده‌ای هستند که به شیوه‌های گوناگون، در پی بیان حقوق از دست رفته‌ی زنان، ناهنجاری‌های رفتاری فرهنگ دیرینه‌ی مردسالار بر زنان و مظلومیت و ستم‌دیدگی زنان است. او از جمله نویسندگانی است که به بیان مسائل و مشکلات زنان پرداخت و بعد از انقلاب نیز با ارزش‌ها و مفاهیم تازه‌ای که از این رهگذر در عرصه‌ی فرهنگ و زندگی اجتماعی پیدا شده، هماهنگ شده و دستاوردها و مفاهیم نوین انقلاب را در آثار خود به کار بسته است.

پایان نامه‌ی حاضر به بررسی داستان‌های سیمین دانشور قبل و بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد تا با اتکا به تعاریف و مفاهیم متعددی که در این حوزه مطرح شده مثل مسائل مربوط به جنسیت و فمینیسم و مسائل مربوط به زنان و تحولات به وجود آمده پس از وقوع انقلاب اسلامی و تأثیراتی که زمینه ساز تحول در شخصیت‌های زنان شده است، تحول هویت جنسیتی - اجتماعی زنان در این دو دوره را نشان دهد.

از مهم‌ترین ثمره‌های انقلاب اسلامی، بهبود جایگاه زنان است. دانشور نیز در داستان‌های بعد از انقلاب چهره‌ی جدیدی از زن به نمایش گذاشته است.

واژگان کلیدی: سیمین دانشور، شخصیت، زن، هویت جنسیتی - اجتماعی، نظریه کنش متقابل

نمادین، داستان

فهرست مطالب

| | |
|---|----|
| فصل اول: کلیات پژوهش..... | ۴ |
| ۱-۱. بیان مسئله..... | ۴ |
| ۲-۱. پرسش‌های پژوهش..... | ۶ |
| ۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش..... | ۶ |
| ۴-۱. اهداف پژوهش..... | ۷ |
| ۵-۱. فرضیه‌های پژوهش..... | ۷ |
| ۶-۱. پیشینه پژوهش..... | ۷ |
| ۷-۱. گذری بر زندگی و فعالیت‌های سیمین دانشور..... | ۹ |
| فصل دوم: مبانی نظری و روش‌شناختی پژوهش..... | ۱۴ |
| ۱-۲. جنسیت..... | ۱۴ |
| ۲-۲. نقش‌های جنسیتی..... | ۱۵ |
| ۳-۲. هویت جنسیتی اجتماعی..... | ۱۶ |
| ۴-۲. نظریه‌ی کنش متقابل نمادین..... | ۱۶ |
| ۵-۲. روش پژوهش..... | ۲۹ |
| ۶-۲. جامعه پژوهش..... | ۲۹ |
| فصل سوم: داستان‌های قبل از انقلاب..... | ۳۰ |
| ۱-۳. مجموعه داستان آتش خاموش..... | ۳۰ |
| ۱-۳-۱. اشک‌ها..... | ۳۱ |
| ۱-۳-۲. آتش خاموش..... | ۳۵ |
| ۱-۳-۳. یادداشت‌های یک خانم آلمانی..... | ۳۷ |

- ۳۸.....۴-۱-۳. کلید سل
- ۴۰.....۵-۱-۳. آن شب عروسی
- ۴۱.....۶-۱-۳. شب عیدی
- ۴۲.....۷-۱-۳. گذشته
- ۴۴.....۸-۱-۳. کلاغ کور
- ۴۵.....۹-۱-۳. مردها عوض نمی شوند
- ۴۶.....۱۰-۱-۳. ناشناس
- ۴۷.....۱۱-۱-۳. جامه‌ی ارغوانی
- ۴۸.....۱۲-۱-۳. عشق پیری
- ۴۹.....۲-۳. مجموعه داستان شهری چون بهشت
- ۵۰.....۱-۲-۳. شهری چون بهشت
- ۵۶.....۲-۲-۳. سرگذشت کوچه
- ۶۰.....۳-۲-۳. بی بی شهربانو
- ۶۳.....۴-۲-۳. زایمان
- ۶۶.....۵-۲-۳. مدل
- ۶۷.....۶-۲-۳. یک زن با مردها
- ۶۸.....۷-۲-۳. در بازار وکیل
- ۷۲.....۸-۲-۳. مردی که برنگشت
- ۷۵.....۳-۳. رمان سووشون
- ۸۶.....۴-۳. مجموعه داستان به کی سلام کنم؟
- ۸۶.....۱-۴-۳. تصادف
- ۸۸.....۲-۴-۳. به کی سلام کنم؟

| | |
|-----|---|
| ۹۳ | چشم خفته. ۳-۴-۳ |
| ۹۴ | مار و مرد. ۴-۴-۳ |
| ۹۹ | انیس. ۵-۴-۳ |
| ۱۰۲ | یک سر و یک بالین. ۶-۴-۳ |
| ۱۰۴ | کیدالخانین. ۷-۴-۳ |
| ۱۰۶ | فصل چهارم: داستان‌های پس از انقلاب |
| ۱۰۷ | ۱-۴. مجموعه داستان از پرنده‌های مهاجر پیرس |
| ۱۰۷ | ۱-۱-۴. مرز و نقاب |
| ۱۰۹ | ۲-۱-۴. باغ سنگ |
| ۱۱۲ | ۲-۴. رمان‌های جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان |
| ۱۲۴ | نتیجه‌گیری |
| ۱۲۸ | منابع |

فصل اول

کلیات پژوهش

ادبیات، به ویژه ادبیات داستانی به عنوان یکی از والاترین دستاوردهای جامعه‌ی بشری، از دیرباز، ترسیم‌گر اوضاع جوامع بوده و به شیوه‌های گوناگون آن جوامع را ارزیابی و حوادث داستانی را در بستر آن‌ها دنبال نموده است. در حقیقت، رسالت اصلی نویسنده، پیوند زدن ساختار محتوایی آثار داستانی با موقعیت‌ها و شرایط اجتماعی زمانه است. باید به این مسئله‌ی مهم توجه داشت که جامعه‌شناسی ادبیات، یکی از شیوه‌های علمی بررسی ادبیات است و به گونه‌ای متفاوت با ادبیات، به تحلیل این‌گونه آثار می‌پردازد. یکی از مسائل مهمی که به چالشی بزرگ در اجتماع تبدیل شده است، زنان و حقوق زنان در جامعه می‌باشد.

۱-۱. بیان مسئله:

مسئله‌ی جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی یکی از مفاهیمی است که جریان زندگی فرد را تحت تأثیر آموزش‌های مربوط به جنس قرار می‌دهد. از همین آغاز باید متذکر شد که اگرچه دو کلمه‌ی «جنس^۱» و «جنسیت^۲» در نوشته‌ها و گفتارهای غیرتخصصی به یک معنا و به جای هم به کار گرفته می‌شوند، به لحاظ جامعه‌شناختی میان آن دو تمایز مفهومی آشکاری وجود دارد. «اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارد، حال آن‌که جنسیت ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن را تعیین می‌کند و با مرد یا زن بودن و به اصطلاح مردانگی و زنانگی همراه است» (گرت^۳، ۱۳۸۰: ۹).

داستان، از دیرینه‌ترین و پرتعدادترین انواع ادبی به‌شمار می‌رود. روایت درگیری انسان با جهان و با خویشتن است. انسان و جهانی پیچیده، اسرارآمیز و گوناگون. داستان گزارش حضور، تفسیر و تأویل حضور آدمی و موضع‌گیری او در برابر جهان هم‌چنین نقد و تحلیل و ارزیابی او و

۱. Sex
۲. Gender
۳. Garrett

جهان است (فتوحی، ۱۳۸۰: ۴).

نویسنده‌ی یک اثر می‌تواند منتقل‌کننده‌ی الگوهای ذهنی خود و جامعه‌ای که در آن پرورش یافته باشد. بسته به خلاقیت و استعداد یک نویسنده، او می‌تواند از استعدادهای و ظرفیت‌های یک زبان در القای الگوهای جنسیتی استفاده کرده، با ارائه‌ی رفتارهای اشخاص، نمادها و تصاویر، ویژگی‌های هر جنس را از دیدگاه خود بیان کند. با توجه به ساختار فکری خود آن‌را بی‌طرفانه یا به سمت و سوی اعمال یا پذیرفتن تبعیضات جنسیتی سوق دهد. این تبعیض‌ها ممکن است در ذهن نویسنده به دلیل زندگی در اجتماعی که بر اساس نابرابری‌های جنسیتی شکل گرفته است، بوده باشد. یا این‌که بر خلاف جامعه‌ای که نویسنده در آن زندگی می‌کند، در داستان‌های خود جامعه‌ای را به تصویر کشد که کاملاً با عالم واقع و ساختار اجتماعی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، متفاوت باشد.

البته شایان ذکر است که سخنانی از این دست الزاماً به معنای محکوم ساختن فرهنگِ مردسالاری به‌طور کلی نیست. در گذشته، مردسالاری، در بسیاری از موارد، بنا به مقتضای آن دوره، کارکردهای مثبت داشته‌است و نباید محکوم شود. آنچه باید محکوم گردد از یک سو، مواردی است که در گذشته فراتر از ظرفیت‌ها و مقتضیات هر دوره، در حق زنان، ستم روا داشته شده است و از سوی دیگر، مواردی از ویژگی‌های فرهنگ مردسالار گذشته را شامل می‌گردد که در دوره‌ی مدرن، تداوم یافته است؛ در حالی که کارکردهای خود را از دست داده و حتی به پدیده‌هایی بدکارکرد تبدیل شده است.

از نظر تاریخی، ادبیات، همواره به طرق گوناگون، موقعیت زنان را در حاشیه و تحت سلطه‌ی فرهنگ مردسالار نشان داده است. شعر و نثر فارسی عمدتاً مردمحور و بعضاً ضد زن بوده است. زنان یا در متون ادبی مطرح نمی‌شوند، یا اگرهم مطرح می‌شوند، یا برای تحقیر کردن آن‌هاست و یا به‌عنوان توصیف معشوقه‌ای زیبا. شعر کلاسیک ایران، زن را به صفات دلدار و دلبر شناخته و اکثراً از او به بی‌وفایی، بی‌تدبیری و مکر و خیانت یاد کرده است. در دیوان‌های شعرا و کتاب‌های

نویسندگان نیز به ندرت می‌توان به زنان خوب و فرمانبردار و پارسا برخورد، تا چه رسد به زنان فرمانروا و سیاست‌مدار (کدیور، ۱۳۷۵: ۱۴۴).

افسانه‌های کهن، زنان آرام، منفعل و بی‌سر و زبان را نشان می‌دهند که واقعاً ناتوان هستند و به درد هیچ‌کاری نمی‌خورند. در این افسانه‌ها زنان دو دسته هستند، نخست افراد خوب و ناتوان که معشوقه‌ها را تشکیل می‌دهند و دوم افراد بدجنس و بدخواه که جادوگران و عجزه‌های مکار و فتنه‌انگیز را شامل می‌شوند (جانینی‌بلوتی، ۱۳۸۳: ۱۴۷).

درست است که بسیاری از تصاویر بازتابانیده شده از زن در ادبیات و آثار مکتوب گذشته، برگرفته از تفکر و فرهنگ غالب مردسالاری است اما امروزه با توجه به تغییرات جوامع و خیزش فکری آنان، دیگر آن اندیشه‌ها کم‌رنگ‌تر شده، ما هنوز هم شاهد ردپای این طرز تفکر و تأثیر آن فرهنگ بر آثار ادبی نوظهور هستیم. علت این امر را می‌توان این دانست که با این که «واقعیت‌های اجتماعی با سرعتی فزاینده دگرگون می‌شود، اما دگرگونی ساختارهای روانی و فکری انسان بی-نهایت کند است» (جانینی‌بلوتی، ۱۳۸۳: ۳۱).

۲-۱. پرسش‌های پژوهش:

۱. آیا داستان‌های سیمین دانشور از فراز و نشیب تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی دوران جنگ و انقلاب اسلامی بر کنار مانده یا تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های فمینیستی، انقلاب اسلامی و... قرار گرفته است؟

۲. آیا شخصیت‌های زنی را که در داستان‌های قبل از انقلاب چون «آتش خاموش»، «شهری چون بهشت»، «سووشون» و «به کی سلام کنم؟» پدید آورده همانند شخصیت‌های زن داستان‌هایی چون «از پرنده‌های مهاجر بپرس»، «جزیره سرگردانی» و «ساربان سرگردان» که بعد از انقلاب نوشته است می‌باشد یا شخصیت‌های زن درگیر وقایع بعد از انقلاب دچار تحول شده‌اند؟

۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش:

جایگاه ویژه سیمین دانشور در حوزه ادبیات داستانی، پیش‌گامی او در عرصه ادبیات زنان و سهمی که در ارتقای سطوح مختلف این دو حوزه داشته است، پژوهش در جوانب گوناگون آثار وی را الزام می‌کند. به خصوص ضرورت این مسئله که سیر زمان و تغییرات حاصل از انقلاب اسلامی در شکل‌گیری یا تغییر شخصیت‌های زن داستان‌های دانشور چه تأثیری داشته است؟ هم‌چنین معرفی بهتر شخصیت‌های زن در داستان‌های دانشور و تحولاتی که بعد از انقلاب اسلامی پشت سر گذاشته‌اند، ضروری است.

۴-۱. اهداف پژوهش:

۱. بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر تغییر شخصیت‌های زن داستان‌های دانشور.
۲. نحوه تغییر شخصیت‌های زن.
۳. معرفی چهره‌های نمادین از طریق شخصیت‌های زن.

۵-۱. فرضیه‌های پژوهش:

۱. تحولات اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب اسلامی در چهره‌پردازی شخصیت‌های داستانی زن، در آثار نویسندگانی چون دانشور تأثیر عمیقی داشته است.
۲. تغییرات شخصیت‌های داستانی آینده تغییرات شخصیت‌های اجتماعی روز است.

۶-۱. پیشینه پژوهش:

گرچه در خصوص جنبه‌هایی از آثار دانشور کارهایی انجام شده است، ولی به رغم جایگاه رفیع وی در ادبیات فارسی، آثار او آن‌چنان که باید مورد بررسی‌های نقادانه قرار نگرفته است. علی‌دهباشی (۱۳۸۳) در کتاب «بر ساحل جزیره سرگردانی»: جشن نامه‌ی دکتر سیمین دانشور به طور تقریبی بیشتر مقالات مربوط به سیمین دانشور و آثارش را گرد آورده است. مریم عاملی رضایی در مقاله‌ای تحت عنوان «نقد جامعه‌شناختی رمان جزیره سرگردانی» به نقد جامعه‌شناختی طبقات اجتماعی مختلف این رمان پرداخته است. در کتاب «جدال نقش با نقاش» نوشته‌ی هوشنگ گلشیری نیز جنبه‌هایی از آثار دانشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جواد اسحاقیان، در «درنگی بر سرگردانی‌های شهرزاد پسامدرن»، به شکل گذرا شخصیت و تیپ‌های اجتماعی این داستان را معرفی کرده است. وحید ولی‌زاده (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان «جنسیت در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی»، به بررسی جنسیت زنانه و کلیشه‌های جنسیتی پرداخته است.

عباس‌زاده و طاهرلو (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «سیمای زن در آثار سیمین دانشور» به بررسی برخی صفات مثبت و منفی زن، در آثار دانشور پرداخته است. قاسم سالاری (۱۳۸۶)، نیز در پژوهشی با عنوان «نشانه‌های فمینیسم در آثار دانشور» به بررسی این بعد از داستان‌های دانشور می‌پردازد، البته به تمام داستان‌ها پرداخته نشده است.

پایان‌نامه‌هایی نیز در زمینه‌های دیگری به آثار دانشور پرداخته‌اند مثل پایان‌نامه‌ی یوسفی (۱۳۷۸)، با عنوان «بررسی آثار داستانی سیمین دانشور»، که آثار داستانی سیمین دانشور را در دو بخش ساختار و درون‌مایه بررسی کرده است. همچنین فاطمه جعفری اوجایی (۱۳۸۲)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «شخصیت و شخصیت پردازی در آثار سیمین دانشور و احمد محمود» دو رمان سووشون و جزیره سرگردانی را از منظر شخصیت پردازی بررسی کرده است. بیشتر پایان‌نامه‌ها از منظر شخصیت پردازی به آثار وی پرداخته‌اند.

به طور کلی می‌توان گفت: غیر از کتاب گلشیری و مقالات ادواری و پراکنده، هنوز جای کارهای نقادانه‌ی بسیار بیشتر در مورد آثار دانشور خالی است. با بررسی‌هایی که انجام شد مشخص گردید که تاکنون تحقیق مستقلی در زمینه‌ی جنسیت و تحول هویت جنسیتی - اجتماعی شخصیت‌های زن آثار دانشور تحت تأثیر شرایط قبل و بعد از انقلاب اسلامی، صورت نگرفته است.

۷-۱. گذری بر زندگی و فعالیت‌های سیمین دانشور

سیمین دانشور در سال ۱۳۰۰ شمسی در شهر ادیب‌پرور شیراز متولد شد. او شاگرد اول سراسر ایران هنگام اتمام تحصیلات متوسطه شد. در تهران در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و موفق شد مدارج تحصیلی را با درجه‌ی ممتاز پشت سر بگذارد.

او پس از مرگ پدرش در سال ۱۳۲۰ شمسی شروع به مقاله‌نویسی با نام مستعار شیرازی بی‌نام، برای رادیو تهران و روزنامه‌ی ایران کرد. وی در سال ۱۳۲۷ اولین مجموعه‌ی داستان کوتاه خود به نام «آتش خاموش» را منتشر کرد و در همین سال با جلال آل‌احمد، یکی از بزرگ‌ترین داستان‌نویسان معاصر فارسی، آشنا شد که بعداً با وی ازدواج کرد.

در سال ۱۳۲۸ به اخذ درجه‌ی دکتری از دانشگاه تهران نائل شد، عنوان رساله‌ی وی «علم‌الجمال و جمال در ادبیات فارسی تا قرن هفتم» بود و یک سال بعد با وجود مخالفت خانواده‌ی آل‌احمد، با او ازدواج کرد. پس از آن به قصد تکمیل اطاعات خود در زمینه‌ی زیبایی‌شناسی به آمریکا سفر کرد و در دانشگاه «استانفورد» تحصیل و تحقیق خود را درباره‌ی زیبایی‌شناسی، روان‌شناسی و تاریخ هنر ادامه داد و پس از بازگشت به ایران در دانشگاه تهران مشغول تدریس شد.

سیمین دانشور در سال ۱۳۹۰ در سن نود سالگی در حالی که بیش از شصت سال آن به صورت حرفه‌ای به نویسندگی سپری شد درگذشت.

معرفی آثار:

الف) آثار داستانی

| | |
|---|------|
| مجموعه داستان کوتاه آتش خاموش (۱۶ داستان کوتاه) | ۱۳۲۷ |
| مجموعه داستان کوتاه شهری چون بهشت (۱۰ داستان کوتاه) | ۱۳۴۰ |
| رمان سووشون | ۱۳۴۸ |
| مجموعه داستان کوتاه به کی سلام کنم؟ (۱۰ داستان کوتاه) | ۱۳۵۹ |

| | |
|---|------|
| غروب جلال | ۱۳۶۰ |
| رمان جزیره‌ی سرگردانی | ۱۳۷۲ |
| مجموعه داستان کوتاه از پرنده‌های مهاجر پیرس | ۱۳۷۶ |
| رمان ساریان سرگردان | ۱۳۸۰ |

(ب) ترجمه‌ها

| | |
|--|------|
| ترجمه‌ی بئاتریس اثر آرتور شنیتسلر | ۱۳۲۲ |
| ترجمه‌ی سرباز شکلاتی اثر برنارد شاو | ۱۳۲۷ |
| ترجمه‌ی کم‌دی انسانی اثر ویلیام سارویان و داغ ننگ اثر ناتانائیل هاتورن | ۱۳۳۳ |
| ترجمه‌ی همراه آفتاب اثر هارولد کورلندر | ۱۳۳۷ |
| ترجمه‌ی باغ آلبالو اثر آنتوان چخوف | ۱۳۴۷ |
| ترجمه‌ی بنال وطن اثر آلن پنتون | ۱۳۵۱ |
| ترجمه‌ی ماه غسل آفتابی از نویسندگان مختلف | ۱۳۶۲ |

بی‌شک سیمین دانشور از چهره‌های ماندگار داستان‌نویسی ایران است. آثار وی قبل از انقلاب اسلامی، محصول شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سال‌های وحشت، خشونت و اختناق قبل از انقلاب است. دوره‌ای که آمل و آرزوهای ملت ایران در اثر دسیسه‌ی عوامل بیگانه و داخلی و پاره‌ای اشتباهات رهبران سیاسی و مذهبی بر باد رفت و یأس و انزواطلبی و خرافات، گریبان‌گیر جامعه‌ی ایران گردید. دانشور با تیزبینی و دقت فراوان بخشی از حقایق تلخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نیز رنج‌ها و مصایبی را که در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی بر زنان ستم‌کشیده‌ی جامعه‌ی ایران رفته است، ترسیم می‌نماید (یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۵). سیمین دانشور نخستین نویسنده‌ی زن ایرانی است که در تمام آثار خود، به شیوه‌های گوناگون، در پی توصیف دقیق زندگی، حالات و احساسات زنان است. در داستان‌های او نموده‌های فراوانی از فمینیسم از قبیل مردسالاری و پدرسالاری، مظلومیت و ستم‌دیدگی زنان و بزرگداشت زن، به وضوح دیده می‌شود. در این

پژوهش به جستجوی نشانه‌های فمینیسم در داستان‌های دانشور که به جنبه‌های جنسیتی - اجتماعی زنان نیز مربوط می‌شود، پرداخته خواهد شد.

«دانشور به دیدگاهی زنانه، در آثار خویش معتقد است و همه‌ی آثار خود را از آتش خاموش (۱۳۲۷) تا ساریبان سرگردان (۱۳۸۰)، متأثر از دیدگاهی زنانه می‌داند و می‌گوید اگر غیر از این باشد طبیعی نیست» (دقیقی، ۱۳۸۱: ۳۵) و با این دید به توصیف جنبه‌های گوناگون زندگی، رنج‌ها و مشکلات زنان در طبقات و سطوح مختلف جامعه می‌پردازد.

دانشور به دلیل آگاهی از موقعیت اجتماعی خویش به عنوان یک «زن» و شناختی که از ستم‌دیدگی و مظلومیت زن ایرانی در طول تاریخ دارد، مصمم است تا به مدد استعداد نویسندگی خویش در راه دفاع از حقوق زنان هم‌وطنش گام بردارد. او معتقد است «نمی‌شود زن بود و از زن دفاع نکرد» (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

در آثار دانشور، یکی از متغیرهای مهم فمینیستی یعنی «مردسالاری» نمود آشکاری می‌یابد، هام مگی (۱۳۸۲)، در کتاب فرهنگ نظریه‌های فمینیستی این اصطلاح را این‌گونه تعریف می‌کند: «مردسالاری نظام سلطه‌ی مردانه است که از طریق نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌اش، زنان را سرکوب می‌کند». مردی که خود را با تمام اقتدار، حاکم مطلق خانه و زندگی قرار داده و حتی به واسطه‌ی روابط اجتماعی خود در محیط خارج از خانه، جایگاه اجتماعی خاصی به دست آورده است. کسی که مقتدر، فعال و بااراده است و کم‌ترین تردیدی در مورد خواسته‌ها و توانایی‌هایش به خود راه نمی‌دهد.

دانشور به صراحت با مردسالاری و شوهرسالاری در زندگی زناشویی مخالفت می‌کند. او حتی در زندگی زناشویی‌اش با جلال آل‌احمد هم تحت تأثیر او نیست و راه خود را از جلال جدا می‌داند و دوست ندارد مثل شوهرش سیاسی باشد: «من از اول با جلال شرط کردم که سیمین دانشور باقی می‌مانم و هر کاری بخواهم می‌کنم... من همیشه سیمین دانشور باقی ماندم. هیچ وقت

سیمین آل احمد نشدم. اصلاً با طرز فکر جلال موافق نیستم و نبودم. من با نوسان موافق نیستم و هرگز سیاسی نبودم» (دقیقی، ۱۳۸۱: ۳۶).

تا همین اواخر آنچه که ما از زنان در داستان‌ها و ادبیات داشتیم تولید شده‌ی دست مردان بوده است ولی در دهه‌های اخیر زنان بسیاری به خلق آثار ادبی روی آورده‌اند و آثار خود را در ارتباط با مسائلی که زنان با آن دست به گریبان هستند و دشواری‌های زندگی زنان نوشته‌اند که سیمین دانشور از این دسته نویسندگان محسوب می‌شود.

«در اوایل سده‌ی نوزدهم رمان‌های زنان بیشتر خودزندگی‌نامه بود. یکی از انگیزه‌های زنان برای نوشتن، میل به بیان آلام خویش و دادخواهی بود اکنون که دیگر این میل چندان حیاتی نیست، زنان دست به کار کاوش در نوع خویش می‌شوند تا از زنان چنان بنویسند که پیش از آن هرگز نوشته نشده است؛ چرا که تا همین اواخر زن در ادبیات آفریده‌ی مردان بود» (وولف، ۱۳۸۲: ۲۲). هر نویسنده از دیدگاه خاص خود به مسئله می‌پردازد اما تقریباً همه‌ی این آثار به دلیل توصیف حساسیت‌ها، احساسات و تجربه‌های زنان، شبیه هم هستند. اینان نیز مثل دیگر داستان‌نویسان چه زن و چه مرد، به مسائل انسان و مناسباتش در درون جامعه می‌پردازند (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۱۱۱۱).

نقش زنان در ادبیات داستانی کشور ما دو رویه دارد یکی نقش مستقیم زنان به عنوان نویسنده و قصه‌نویس و دیگری نقشی که زنان به صورت شخصیت‌های مختلف یک داستان ایفا کرده‌اند. در ادبیات داستانی ما، زنان نویسنده نقش مهمی دارند و آنان توانسته‌اند با احساسات و زنانگی خاص خودشان، مسائل و مشکلات طبقه‌ی زن ایرانی را کاملاً در محک آزمایش قرار دهند. (آژند، ۱۳۶۹: ۲۴).

بعد از انقلاب اسلامی نیز دانشور بسیار موفق از عهده‌ی ترسیم دنیای زنان برآمده است. کمتر نویسنده‌ای قادر است تصویری چنان طبیعی، واقعی و دست یافتنی از زنان و دنیای آنان ارائه دهد. دانشور به عنوان جزئی از مجموعه‌ی بزرگ زنان، از دغدغه‌ها، آرزوها و آرمان‌ها، شادی‌ها،

غم‌ها، محرومیت‌ها و در یک کلام دنیای عینی و ذهنی زنان در هر برهه‌ای از تاریخ این سرزمین به طور کامل آگاه است. چنان‌که می‌توان گفت روح و احساسی زنانه بر سراسر فضای داستان‌های او حاکم است.

با توجه به این نکته نویسندگی دانشور دو دوره‌ی قبل و بعد از انقلاب اسلامی را در برمی‌گیرد و نمی‌توان تأثیر تحولات همه‌جانبه‌ای که بعد از انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد را در آثار سیمین دانشور نادیده گرفت.

در پایان لازم است از زحمات استادان ارجمندم سرکار خانم دکتر زینب نوروزی که با راهنمایی‌های مشفقانه‌ی خویش یاری‌گر بنده بودند و سرکار خانم ویدا نوشین‌فر که زحمت مشاوره رساله را پذیرفتند، بسیار سپاس‌گزاری نمایم. کام‌روایی و بهروزی این دو بزرگ را از خداوند یگانه خواستارم.

هم‌چنین سپاس خود را محضر همه‌ی استادان بزرگوارم در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند که سال‌ها در حضورشان شاگردی نمودم، تقدیم می‌نمایم.

فصل دوم

مبانی نظری و روش‌شناختی پژوهش

جنسیت پدیده‌ای است دارای ابعاد مختلف و متعدد که در این رساله بنا بر آن است که از منظری جامعه‌شناختی بدان نگریسته شود. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بسیاری به این موضوع توجه کرده‌اند و از آن میان، برخی بخش مهمی از نظریات خود را به جنسیت و مقوله‌های مربوط به آن اختصاص داده‌اند. نظریه‌های «ساختاری-کارکردی»، «یادگیری اجتماعی»، «رشد شناختی»، «طرح‌واره‌ی جنسیتی» و «کنش متقابل نمادین» از جمله نظریه‌هایی هستند که در مطالعات مربوط به جنسیت اغلب به‌کار گرفته می‌شوند. در این رساله نظریه‌ی اخیر مورد استفاده قرار گرفته است.

۱-۲. جنسیت:

بین «جنس» و «جنسیت» تفاوت معنی‌داری وجود دارد که منشأ آن را باید در فرهنگ جست‌وجو کرد. جنس به تفاوت‌های بیولوژیکی زن و مرد اشاره دارد و جنسیت ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن‌ها را تعیین می‌کند.

مفهوم جنسیت از معنی نر یا ماده بودن به دست می‌آید که جامعه بر زنان و مردان اطلاق می‌کند. این صفات در فرهنگ و سنت تعریف می‌شوند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که جوامع گوناگون نقش‌ها و خصوصیات زنان و مردان را متفاوت و گاهی کاملاً متغایر با یکدیگر تعریف می‌کنند (تورس^۱ و روزاریو^۲، ۱۳۷۵: ۱۶).

مفهوم جنسیت نه‌تنها به زن از جنبه‌ی تفاوت‌های زیست‌شناختی با مرد، بلکه به زن در رابطه با مرد و نوع روابط این دو از نظر اجتماعی و ساختاری می‌نگرد (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۹۸).

1. Torres
2. Rosario

نحوه‌ی برخورد متفاوت والدین با هر یک فرزندان خود باعث شکل‌گیری ویژگی‌هایی خاص در دختران و پسران می‌شود مثلاً ویژگی‌هایی چون، پرخاشگری، رقابت و مقاومت برای احقاق حقوق خود بیشتر از پسران انتظار می‌رود و در مقابل ویژگی‌هایی چون مهربانی، گذشت و دوری از جنگ و جدل از دختران انتظار می‌رود.

۲-۲. نقش‌های جنسیتی:

بیشتر زنان مجموعه‌هایی از خصوصیات رفتاری، احساسی، عقلانی و اعتقادی را از خود نشان می‌دهند که به عنوان ویژگی‌های جنس مؤنث شناخته می‌شود. به همین ترتیب نیز مردان خصوصیات متفاوتی را از خود بروز می‌دهند که به عنوان ویژگی‌های مردانه مورد شناسایی قرار می‌گیرد. همگی این نقش‌های فراگرفته شده، نقش‌های جنسیتی نامیده می‌شوند (سالزمن^۱، ۱۹۷۴: ۳).

همه‌ی جوامع از اعضای خود در مورد رفتار، نگرش‌ها و ارزش‌ها، انتظاراتی دارند، انتظارات پیرامون تفاوت‌های مربوط به جنس باعث می‌شود که افراد برحسب جنسیت خود (مرد یا زن بودن) نقش‌هایی را ایفا کنند که به آن نقش جنسیتی گفته می‌شود. به عبارت دیگر نقش‌های اجتماعی محول شده به یک جنس خاص که ناشی از تفاوت در جنسیت است؛ مثلاً نقش پدر یا مادر، خواهر یا برادر و... هنگامی که کودکان، پسر یا دختر، متقاعد شدند که پسر یا دختر هستند، هویت جنسی خود را یافته‌اند. اما بسیاری از مردم صرفاً بر حسب باورهای کلیشه‌ای در آنچه برای مردان و زنان در جامعه مناسب تلقی می‌شود، رفتار می‌کنند. وقتی تصویری از یک جنس در جامعه به کلیشه تبدیل شود دیگر تغییر آن در ذهن افراد آن جامعه تقریباً غیر ممکن می‌شود. بنابراین هرچند که عوامل زیستی در شکل‌گیری نقش جنسیتی تأثیر دارند، اما عامل عمده در ترکیب نقش مناسب با جنس، یادگیری (عوامل محیطی) است.

1. Saltzman